

## ♦ کاربرد روش تحقیق نظریه داده‌بنیاد در استخراج نظریه از متون دینی

غلامرضا بهروزی لک<sup>۱</sup>  
حسن علی یاری<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** محقق در این پژوهش، به دنبال آن بود که برای به کارگیری روش داده‌بنیاد در نظریه‌پردازی مبتنی بر متون دینی، ضمن تبیین شاخصه‌ها و وجوه سازگاری و ناسازگاری، شیوه بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد را در متون دینی ارائه کند. **روش:** مقاله حاضر مبتنی بر مطالعات درجه دوم و فلسفه علم است. **یافته‌ها:** برای استفاده از روش داده‌بنیاد در متون دینی، نیازمند ارائه برخی مقدمات و مراحل هستیم و چند اقدام مقدماتی از قبیل تعیین موضوع و واژه‌شناسی، استفاده از روشهای دستیابی و بازخوانی درست متون اسلامی و تعیین معیار در اعتبار سنجی روایات ضرورت اساسی دارد. همچنین شیوه‌ها و نحوه بهره‌گیری از مراحل مختلف روش داده‌بنیاد و متون مرتبط، تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات و کدگذاری‌های مختلف همواره بایستی مد نظر قرار گیرند. **نتیجه‌گیری:** روش نظریه‌سازی داده‌بنیاد، ظرفیتها و انعطاف لازم را برای ساختن نظریه در همه حوزه‌ها به خصوص ارائه نظریه از متون دینی داراست.

**واژگان کلیدی:** متون دینی، نظریه‌پردازی، روش داده‌بنیاد، الگوی نظریه‌پردازی دینی.

♦ دریافت مقاله: 95/12/01؛ تصویب نهایی: 96/07/02.

1. دکتری اندیشه سیاسی اسلام و دانشیار گروه مطالعات سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم.

2. دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم و مربی گروه معارف دانشگاه پیام نور مرکز بروجرد (نویسنده مسئول) / نشانی: قم؛ پردیسان، بلوار دانشگاه، بلوار سلمان، مجتمع مصطفی خمینی، بلوک 15، واحد 4 / نمابر: 02532136620 / Email: h.aliyari54@gmail.com

## الف) مقدمه

روش تحقیق، یکی از بنیادی‌ترین مقوله‌های تحقیق و از معیارهای طبقه‌بندی علوم در هر رشته پژوهشی به شمار می‌رود. با انتخاب و استفاده از روشهای نوین تحقیق در حوزه‌های مختلف پژوهشی، به خصوص در حوزه مطالعات دینی و اسلامی، می‌توان موجب خلق و کشف ایده‌های نوین شد.

یکی از روشهای غالب پژوهشی در چند قرن اخیر، روش پوزیتیویستی و تجربه‌گرایانه بوده است؛ به طوری که از قرن نوزدهم به بعد، به دلیل غلبه معرفت‌شناسی آمپریستی، علم حسی به عنوان تنها راه شناخت و ارتباط انسان با جهان خارج معرفی شد و بنیان علم تغییر یافت (پارسایا، 1390: 21-38) و بسیاری از پژوهشهای علمی در جهان، به خصوص جامعه‌ما، در قالب این رهیافت شکل گرفتند و موجب شد تا «ذهن نوآور و تفکر خلاق از اندیشمندان جهان سوم گرفته شود و زایش نظریه جدید و نظریه پردازی عمیق بماند» (لوانی و همکاران، 1386: 27). از منظر این رویکرد، «جای بحث و پژوهش علمی و یقین‌آور پیرامون مسائل ماوراءالطبیعه باقی نمی‌ماند و همه مسائل فلسفی، پوچ و بی‌ارزش تلقی می‌شود». (مصباح، 1364: 189)

گسترده‌گی و احاطه بیش از اندازه این روشها و تأکید زیادی که آنها بر تجربه حسی داشتند، موجب شد تا تحقیقات صورت گرفته حتی در جامعه ما نیز بر محور اینگونه روشها حرکت کنند و حتی برخی از اندیشمندان مسلمان مدعی شدند تنها راه شناخت خداوند، مطالعه طبیعت از طریق روش علمی است و برخی نیز حکمت قرآنی را با فلسفه پوزیتیویسم تطبیق دادند (طباره، 1980: 270). به مرور زمان مشخص شد که روشهای پوزیتیویستی توانایی تبیین و کارایی لازم را در حوزه‌های غیر تجربی و الهیاتی ندارند. با توجه به مشکلات فزاینده این رویکرد و «تارضایتهای بسیار از آن، موجب شد تا گرایش روزافزون به تحقیقات کیفی صورت گیرد». (لطف‌آبادی، 1384: 35)

با وجود اینکه حوزه‌های مختلف علوم اسلامی هر کدام دارای روشهای خاص پژوهش‌اند، اما استفاده از روشهای پژوهشی کیفی جدید و بومی‌سازی آنها برای استفاده در متون دینی ضرورت اساسی دارد؛ زیرا روشهای موجود «عمدتاً در جهت پاسخگویی به نیازهای دانش فقه تدوین شده است» (صادق‌زاده، 1386: 163) و برای استفاده در علوم جدید، نابسند به نظر می‌رسد.

رویکردهای روشی مختلفی تاکنون برای تولید نظریه از متون دینی ارائه شده است؛ «به خصوص رویکردهایی که با فرضیه‌سازی، گردآوری داده‌ها، استفاده از متون دینی به عنوان روش اثبات یا نفی فرضیه‌ها، رویکردهای استخراج نظریه از متون دینی؛ در صدد دینی کردن علوم هستند» (کافی و جمشیدی‌ها، 1391: 82). یکی از روشهای نظریه‌سازی کیفی که در بسیاری از حوزه‌های پژوهشی توجه ویژه‌ای به آن شده،

## 551 کاربرد روش تحقیق نظریه داده‌بنیاد در استخراج نظریه از متون دینی

روش «داده‌بنیاد»<sup>۱</sup> است. اما «با وجود توجهات انجام شده، غالباً مباحث در سطح کلیات و ابعاد مختلف این روش‌شناسی در پرده ابهام باقی مانده است» (دانا، فرد و امامی، 1386: 70). در این پژوهش برآن هستیم تا نحوه کاربرد روش داده‌بنیاد را در متون دینی بررسی کنیم.

### ب) پیشینه تحقیق

در پژوهش‌های مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد باید به این نکته توجه داشت که مرور پیشینه، نه گویای مفاهیم عمده و نه ارائه‌دهنده فرضیه‌هاست، بلکه نشانگر وجود شکاف یا نوعی سوگیری در دانش موجود است و در نتیجه، خرده‌مایه‌ای برای مطالعه فراهم می‌آورد و این سودمندی را دارد که هنگام ارائه داده، ارجاعاتی به پیشینه می‌کند تا حمایت بیرونی برای مدل نظری فراهم آورد. (کرسول، 1394: 231)

استفاده و به کارگیری روش داده‌بنیاد در حوزه مطالعات دینی، رشد چندانی نداشته است. با این حال، برخی کارهای پژوهشی در این خصوص صورت گرفته است که به نوبه خود جای تأمل دارد و آنها را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

برخی پژوهش‌ها یک موضوع را بر اساس روش داده‌بنیاد به اجرا گذارده‌اند و صحبتی از نحوه کاربرد داده‌بنیاد در متون دینی نمی‌کنند. به عنوان نمونه، می‌توان به مقاله «نظریه رهبری اخلاقی بر مبنای سیره نبوی» (امیری و دهمانی، 1392) و مقاله «تنوری رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی (ع)» (دانا، فرد و مومنی، 1387) اشاره کرد. تنها استفاده روشی که می‌توان از این پژوهش‌ها کرد این است که آنها را به عنوان یک تجربه، مد نظر قرار داد.

دسته دیگری از مطالعات، به دنبال معرفی یا ابداع شیوه‌ای خاص برای بهره‌گیری از متون دینی بوده‌اند. در این خصوص، دو مقاله پژوهشی ذیل قابل تأمل است:

در مقاله «معرفی روش‌شناسی داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه)» (مهرابی و همکاران، 1390)، با اعتقاد بر امکان به کارگیری روش داده‌بنیاد در متون دینی، موضوع توانمندسازی را بر اساس همان چارچوب داده‌بنیاد در متون دینی به اجرا گذاشته و برای کدگذاری باز از روش تحلیل اسنادی، در مرحله کدگذاری محوری از تست خبرگی و برای انجام کدگذاری انتخابی از روش چند رأیی استفاده کرده است. پژوهش مذکور با وجود اینکه مدعی است از برخی روشها برای بومی‌سازی این نظریه بهره گرفته، اما آنچه ارائه می‌دهد، همان روش مرسوم داده‌بنیاد است؛ با این تفاوت که در مرحله کدگذاری باز به جای بررسی میدانی و مصاحبه، از روایات بهره گرفته که این امری طبیعی است؛ زیرا هدف ما بررسی متون دینی

است و به ناچار بایستی به جای مصاحبه و... به متون مراجعه کرد.

راهکار دیگر این مقاله برای بومی کردن داده‌بنیاد، استفاده از تست خیرگی در مرحله موضوع‌شناسی است که به نظر می‌رسد با وجود اینکه کار شایسته‌ای است، اما بسیار زمان‌بر بوده و موجب سلیقه‌ای شدن پژوهش می‌شود. در حالی که پژوهشهای مبتنی بر داده‌بنیاد، بایستی بدون موضع‌گیری پیشینی پژوهشگر و بدون توجه به نظریه‌های موجود و بر اساس داده‌های زمینه‌ای شکل بگیرد. به عنوان نمونه، حدود و ثغور کار در متون دینی توسط خود متون مشخص خواهد شد نه نظر دیگران یا اندیشمندان آن حوزه پژوهش. این پژوهش، در مرحله کدگذاری انتخابی از اصطلاحی به نام چندرایی نام می‌برد؛ اما به درستی این روش را تبیین نمی‌کند. لذا مخاطبان به درستی نمی‌توانند آن را تشخیص دهند که به چه نحوی باید اجرا شود.

در مقاله دوم با عنوان «مدل روش‌شناسی نظریه‌پردازی در علوم انسانی اسلامی» (کافی و جشیدی‌ها، 1391)، نویسندگان تلاش کرده‌اند تا روشی ترکیبی را با عنوان میناشناسی برای نظریه‌پردازی در قرآن کریم معرفی کنند. این روش، تلفیقی از سه روش تفسیر موضوعی، تحلیل محتوا و میناشناسی است که با پژوهش مد نظر ما تفاوت اساسی دارد. این پژوهش در بررسی متون دینی فقط به روش تفسیر موضوعی قرآن کریم اشاره می‌کند و از نحوه گزینش و استفاده از روایات غفلت کرده و به نحوه نمونه‌گیری و شیوه‌های انتخاب آیات و روایات توجهی نکرده است. همچنین به نحوه بررسی روش داده‌بنیاد در استفاده از متون دینی توجه نداشته، بلکه به دنبال ابداع روشی تلفیقی از تفسیر قرآن، تحلیل محتوا و ساخت مدل بوده است.

استفاده از تحلیل محتوا و داده‌بنیاد، تنها روش را پیچیده می‌کند و ضرورتی ندارد؛ زیرا در درون روش داده‌بنیاد به صورت کامل آنچه مد نظر نویسنده بوده؛ یعنی مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی و ارائه پارادایم و... وجود دارد و نیازی به تحلیل محتوا نیست. در واقع؛ نویسنده بدون داشتن ثمره علمی لازم، تحلیل محتوا را با میناشناسی تلفیق کرده است. به هر ترتیب، هیچ کدام از پژوهشهایی که تاکنون به معرفی این روش برای متون دینی پرداخته‌اند، صحبتی از وجوه سازگاری یا ناسازگاری این روش با متون دینی نکرده‌اند.

روش و شیوه بررسی کاربرد داده‌بنیاد برای متون دینی که مد نظر این پژوهش است، با پژوهشهایی که تاکنون صورت گرفته، متفاوت است. به عنوان مثال، در بحث گردآوری داده‌ها و نمونه‌گیری، پژوهش حاضر از شیوه خاص خود با عنوان ایضاح مفهومی و روش اجتهادی جامع بهره می‌گیرد و به دنبال این است تا نحوه کاربرد این روش را در متون دینی بررسی کند.

## ج) وجوه سازگاری و ناسازگاری نظریه داده‌بنیاد با متون دینی

### 1. وجوه سازگاری

به کارگیری نظریه داده‌بنیاد به این معنا نیست که حتماً بایستی تمام اجزا و ترتیبات و قسمتهای مد نظر ابداع‌کنندگان این روش نظری، در نظریه‌سازی استفاده و اجرا شود؛ زیرا همان‌طور که استراوس و کربین اشاره کرده‌اند: «خوانندگان ما با مطالب این کتاب به درستی، مثل بساط غذاهای سرد هتلها رفتار می‌کنند و از میان آنچه بر خوان گسترده است، به درستی موافق ذائقه خود استفاده می‌کنند.» (استراوس و کربین، 1391: 30)

در پژوهشهایی که از روش داده‌بنیاد بهره می‌برند، به چند نکته باید توجه کرد: 1. با مسئله و پدیده پژوهش متناسب باشد؛ 2. به درک درستی از پدیده منجر شود و قابل فهم باشد؛ 3. تعمیم‌پذیر باشد؛ یعنی نظریه مورد نظر دارای انعطاف لازم باشد تا بتواند در دامنه وسیعی از بسترها قابلیت کاربرد داشته باشد؛ 4. باید کنترل ایجاد کند، یعنی چارچوبی را فراهم کند تا تحت آن چارچوب نظریه به کار رود. (ستراس و کوربین، 1998: 12-13)

برای نظریه‌پردازی از منابع دینی بهتر است به روش تحقیقات کیفی از نوع استقرایی روی آورد (کافی، 1393: 125). بنابر این، به علت کیفی بودن و استقرایی بودن داده‌بنیاد و همچنین به علت اینکه این رویکرد استنباطی بوده، انعطاف، قابلیت و ظرفیت لازم را برای استفاده در بسیاری از حوزه‌های مختلف علمی - پژوهشی، به خصوص استفاده در متون دینی و اسلامی را دارد و می‌توان با تبیین و توسعه این روش و بومی‌سازی آن، گامی مؤثر در جهت بازخوانی متون دینی برداشت. روش داده‌بنیاد بدون اینکه شیوه‌های فقه‌الحدیثی رایج را به چالش بکشد، تلاش دارد تا با استفاده و تکمیل آنها و ارائه شیوه جدیدی از متون دینی، بدون اینکه تفسیر به رایبی صورت گیرد، به فهم درست آنها نایل شود.

برای به کارگیری این روش، پژوهشگر مسئولیت و نقش مهمی را در تفسیر داده‌ها بر عهده دارد و تنها به گزارش و بیان دیدگاهها در روایات اکتفا نمی‌کند، بلکه مسئولیت تفسیر متون مورد پژوهش را نیز بر عهده می‌گیرد و تلاش می‌کند با طی مسیری مشخص، به تکوین و کشف نظریه مد نظر خود اقدام کند. بنابر این، چون این روش بر بنیان داده‌ها استوار است، نسبت به نظریه‌ای که از مجموعه نظریه‌های موجود ارائه می‌شود، بهتر می‌تواند مسئله مد نظر را تبیین کرده و کارآمدی لازم را داشته باشد.

### 2. وجوه ناسازگاری

تنها وجه ناسازگاری این روش با متون دینی که ممکن است مورد توجه قرار گیرد، این است که برخی گفته‌اند نتیجه حاصل از این روش، به نسبت ختم خواهد شد. این اشکال قابل حل بوده و می‌توان به آن پاسخ داد.

یکی از این راهکارها، حفظ تعادل میان عینیت و حساسیت است که تعامل دائمی میان پژوهشگر و

عمل پژوهش در جریان پژوهش برقرار می‌ماند. چنانکه استراوس و کربین متذکر شده‌اند، عینیت برای رسیدن به تفسیر بی‌طرفانه و دقیق از رویدادها ضرورت دارد؛ از آن طرف، حساسیت نیز برای درک ظرایف و معناهای داده‌ها و تشخیص ربط میان مفاهیم لازم است. هم عینیت و هم حساسیت برای کشف لازم‌اند. (استراوس و کربین، 1391: 57)

دوم اینکه، در درون روش داده‌بنیاد، سه رویکرد نظام‌مند، ظاهرشونده و ساخت‌گرایانه وجود دارد. به نظر می‌رسد اگر روش ما برگرفته از رویکرد ساخت‌گرایانه که توسط اندیشمندی به نام کتی چارمز ارائه شده، می‌بود؛ شاید امکان داشت تا به نوعی اشکال نسبی بودن را مطرح کنیم؛ زیرا روش چارمز معتقد به واقعیت مطلق نیست و صرفاً می‌تواند به کشف یک نسخه از واقعیت دسترسی پیدا کند. در این روش، تحلیلگر دائماً در فرایند تحقیق در حال تصمیم‌گیری است و به جای واقعیات مورد نظر، تأکید فراوانی بر دیدگاهها، ارزشها، باورها و جهان‌بینی‌های افراد دارد (چارمز، 2000: 522). این در حالی است که روش مورد نظر ما بر اساس رویکرد استراوس و کربین؛ یعنی رویکرد «نظام‌مند» است و این رویکرد، به دنبال دریافت حقیقت است و حقیقت از طریق درگیر شدن تحلیلگر با جمع‌آوری داده‌های نظام‌مند کسب می‌شود.

سوم اینکه، روشهای رایج استفاده از روایات در مباحث فقهی را نمی‌توان معیار قضاوت در استفاده از روایات در نظریه‌سازی در ابواب مختلف علمی قرار داد، تا قائل به نسبت شویم؛ زیرا آنچه از متون دینی مد نظر قرار می‌گیرد، اعتبار متون دینی بر اساس مجموعه‌ای از آنهاست که به اشباع نظری لازم رسیده باشند، نه تک تک متون مورد بررسی.

چهارم اینکه، برای سنجش اعتبار نظریه برآمده از متون دینی، ضرورت دارد تا تعیین کنیم که این صورت انتزاعی تا چه حد با داده‌های خام جور در می‌آید. همچنین ضرورت دارد تا تعیین کنیم آیا مطلب قابل توجهی بوده است که نسبت به آن بی‌توجه بوده‌ایم یا نه؟ بر این اساس، برای ارزیابی و اعتبارسنجی پژوهشهای کیفی، از عناوینی چون روایی و پایایی استفاده می‌کنند. منتها به جای شاخص روایی که مختص تحقیقات کمی است، از شاخص‌هایی چون: «باورپذیری»<sup>1</sup>، «قابلیت دفاع»<sup>2</sup> و «مانندار»<sup>3</sup> بودن صحبت می‌کنند.

استراوس و کربین با به کارگیری روایی و پایایی در تحقیقات مبتنی بر روش نظریه‌سازی داده‌بنیاد مخالفت کردند و به جای آن از معیار «مقبولیت» استفاده کردند. مقبولیت از نظر آنها، به این معنی است که «یافته‌های پژوهش تا چه حد در انعکاس تجارب مشارکت‌کنندگان، پژوهشگر و خواننده، در مورد پدیده مورد مطالعه موثق و قابل باور است». (طهماسی و همکاران، 1394: 139)

---

1. Plausible  
2. Defensible  
3. Trustworthiness

## د) مراحل و چگونگی بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد در متون اسلامی

داده‌بنیاد «توعی از نظریه است که به صورت استقرایی از مطالعه یک پدیده حاصل می‌شود. در این روش، مطالعه یک پدیده اجازه می‌دهد که تئوری حاکم بر آن در طول زمان پدیدار شود» (دانایی‌فرد، 1384: 8). نباید مفاهیم را از تحقیقات و متون دیگر بر داده‌ها تحمیل کنیم، بلکه باید اجازه بدهیم تا مفاهیم از متون مورد نظر نمایان شوند. «تحمیل پیش‌فرضهای محقق بر متون اسلامی و تفسیر به رای آنها برای انطباق با نظریه‌های برخاسته از رویکردهای تجربی و مادی، به شدت از سوی اندیشمندان مسلمان نیز مورد نکوهش واقع شده است» (مهرایی و دیگران، 1390: 24).

بنابر این، عدم پیش‌فرض به معنای لحاظ نکردن پیش‌فرضهای لازم و سازگار با مبانی اسلامی نیست. پژوهشگر برای نظریه‌سازی از متون دینی بر مبنای داده‌بنیاد، لازم است هر آنچه به جنبه بنیادی و شکلی و فنی متن مربوط می‌شود، از قبیل مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و حجیت متون دینی ... را لحاظ کند. به عبارتی؛ چون نظریه بر بسترهای لازم الهیاتی در حال شکل‌گیری است، زمانی که پژوهشگر در این نظام قرار می‌گیرد، بایستی تمام پیش‌فرضهای لازم را در بهره‌گیری از متون لحاظ کند.

استفاده از روش داده‌بنیاد برای نظریه‌سازی و تحقیقات در حوزه مطالعات اسلامی نیازمند برخی مقدمات و تغییرات در مراحل مختلف این نظریه است.

### 1. تعیین موضوع و واژه‌شناسی

برای بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد در متون اسلامی، تعیین موضوع و واژه‌شناسی، اولین قدم در راه رسیدن به نظریه به شمار می‌رود.

#### یک) شیوه‌های انتخاب موضوع

در خصوص گزینش مسئله و شیوه انتخاب موضوع، به چند منبع اشاره کرده‌اند: 1. دیگران مطرح و تحقیق در آنها را پیشنهاد کرده‌اند؛ 2. ادبیات فنی و غیر فنی؛ 3. تجربه شخصی و حرفه‌ای؛ 4. مسئله برای پژوهش می‌تواند خود پژوهش باشد. (استراوس و کرین، 1391: 58-60)

برای کاوش در متون دینی، بسته به هر یک از شیوه‌های مذکور می‌توان کار پژوهش را آغاز کرد.

### 2. شیوه‌های دستیابی به منابع و مفاهیم روایات

گام بعدی پس از انتخاب موضوع مناسب، دستیابی به منابع و مفاهیم مدنظر است. پژوهشگر در این مرحله بایستی برخی ویژگی‌ها و خصوصیات را داشته باشد یا طی کند.

**یک) توانایی تحلیلگر در فهم و استفاده از متون دینی**

روایات معصومین (ع) یکی از منابع اصلی استنباط احکام شرعی و میراث گرانمایه مسلمانان برای آگاهی و به کارگیری معارف الهی و دینی به شمار می‌رود. به همین علت، تبیین راهکارهای فهم روایات و استخراج قواعد فقه‌الحدیثی، امری ضروری است.

**دو) ضرورت استفاده مقدماتی از روشهای تفسیری و فقه‌الحدیثی**

تحلیلگر متون دینی علاوه بر به کارگیری مراحل مختلف روش نظریه‌سازی داده‌بنیاد، بایستی برخی ملاحظات و توانایی‌های لازم را در خصوص متون دینی به کارگیرد. از منظر قواعد فقه‌الحدیثی، روشهای متعددی برای فهم متون روایی وجود دارد. یکی از روشهای معمول دسترسی به روایات عبارت است از: 1. احراز «حدیث بودن» متن مورد نظر، 2. فهم متن روایت، 3. فهم و درک مقصود متن روایی. (مسعودی، 1384؛ مسعودی، 1389: 119-85، پسندیده، 1386: 109-88)

تحلیلگر داده‌بنیاد، باید قادر بر به کارگیری این روش باشد؛ زیرا اگر از روشهای تفسیری و فقه‌الحدیثی مورد نظر استفاده نشود، تحلیلگر قادر نخواهد بود به نظریه‌درستی دسترسی یابد. این عمل به تحلیلگر در مرحله نمونه‌گیری و کدگذاری باز کمک می‌کند تا بدانند به کجا و چه متونی مراجعه کند و بتواند به درستی متون خود را انتخاب کرده و از سرگردانی و حیرت و دست و پا زدنهای بی‌جهت در بسیاری از متون اجتناب کند.

**3. جمع‌آوری داده و نمونه‌گیری نظری**

نمونه‌گیری نظری، نوعی گردآوری داده بر مبنای مفهوم «مقایسه» است. منظور از مقایسه این است که به سراغ جاها، آدمها و رویدادهایی برویم که امکان کشف گوناگونی‌ها را به حداکثر برساند و مقوله‌ها را از لحاظ ویژگی و ابعاد، غنی کند. در روش داده‌بنیاد بر خلاف روشهای مرسوم، ادبیات بحث مقدم بر جمع‌آوری داده‌ها نیست، بلکه جزیی از روند جمع‌آوری داده‌ها به شمار می‌رود. متون اسلامی، منابع بسیار ارزشمندی‌اند؛ لذا برای نمونه‌گیری باید به متونی مراجعه کرد که بتوان بیشترین بهره را در ارتباط با موضوع مدنظر از آنها برد.

**یک) روشهای نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها**

پژوهشگر می‌تواند از برخی روشهای نمونه‌گیری برای پیشبرد بهتر کار کمک بگیرد؛ از جمله اینکه باید در پی به دست آوردن متونی باشد که بتواند در آن متون، داده‌های پژوهشی مناسب مقوله‌ها و ویژگی‌ها و ابعاد آنها را بیابد. همچنین تحلیلگر باید به صورت منظم پیش برود و از یک متن به متن دیگری که در فهرست خود دارد، حرکت کند. بازگشت به خود داده‌ها و از نو کنار هم چیدن آنها هم می‌تواند به پژوهشگر در



## 557 کاربرد روش تحقیق نظریه داده‌بنیاد در استخراج نظریه از متون دینی

خصوص دیدن تفاوتها و تشابهات کمک فراوانی کند. تحلیلگر بلافاصله بعد از جمع‌آوری داده‌ها باید تحلیل را آغاز کند. به صورت مختصر این مرحله دارای چند اقدام اساسی به شرح ذیل است:

**ایضاح مفهومی:** ایضاح مفهومی یعنی اینکه پژوهشگر باید قبل از مراجعه به متن، مراد خود را از مفهوم مد نظر برجسته کرده، به تبیین ماهیت آن پردازد. به عبارت دیگر؛ پژوهشگر بایستی به ماهیت و چستی موضوع مد نظر خود توجه کرده، به بیان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن پردازد. برای مثال، اگر چستی نظریه دولت یا قدرت مسئله مد نظر محقق باشد، بایستی ابتدا ماهیت و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن را تبیین کند.

**استفاده از واژگان مترادف با محور بحث:** بررسی ساختار، بدنه و جلوه‌هایی که موضوع یا مسئله مورد نظر می‌تواند در آن متبلور شود. برای مثال، در خصوص نظریه دولت یا قدرت، بایستی از طریق ساختار، بدنه و جلوه‌هایی که می‌تواند در آن متبلور شود، اقدام کرد. بر این اساس، می‌توان دو گونه بحث را مد نظر قرار داد: یکی شیوه مستقیم و دیگری شیوه غیر مستقیم.

**الف) واژگان مستقیم:** ابتدا از طریق مفاهیم و اصطلاحاتی که به طور مستقیم در شکل‌گیری ساختار، بدنه و جلوه‌های موضوع بحث (دولت، قدرت و...) مؤثرند، وارد عمل شد. هدف از به کارگیری این رویکرد، دستیابی به این پرسش است که در روایات معصومین(ع) چه نوع نظریه مطلوبی در خصوص موضوع (دولت یا قدرت) مد نظر است. بر این اساس، برخی کلمات و اصطلاحات مستقیم قریب به واژه دولت در روایات معصومین(ع) را که می‌توانند راهگشای ما قرار گیرند، عبارتند از: امام، وزارت، وکالت، خلافت، ولایت یا والی، ولایت، سیاست و...

**ب) واژگان غیر مستقیم:** برای احصا و استفاده حداکثری از متون دینی در خصوص نظریه مد نظر پژوهشگر باید از مفاهیم و واژگان دیگری که به نحوی با موضوع ارتباط دارند، استفاده کند و صرفاً خود را به واژگان مستقیم محدود نکند. بر این اساس، برخی کلمات و واژگان در متون دینی موجود است که می‌توان از آنها به صورت دلالت ضمنی بهره گرفت. بسیاری از مفاهیم و واژگانی که ابتدای امر ممکن است بی‌ارتباط با بحث به نظر برسند، با کمی تأمل و درنگ می‌توان آنها را به طرق مختلف با مبحث مد نظر مرتبط دانست. برای مثال، در کلمات و اصطلاحات ذیل، نامی از دولت برده نشده یا حداقل در نگاه نخست نمی‌توان میان آنها و دولت ارتباط مستقیم برقرار کرد؛ اما با کمی تفکر می‌توان همه آنها را به طرق مختلف، مرتبط به ساختار و تئوری دولت یا جلوه‌ای از جلوه‌های آن دانست. این اصطلاحات عبارتند از: رعیت، بلد، قریه، جنگ، سلاح، قوه، ظلم، ناس، حق الناس، عهد، وثیقه، وثیقه‌المدینه، مکاتیب و...

## استفاده از سیاقهای معنایی؛

مراجعه به اندیشمندان و کتابهای مربوط.

آنچه به عنوان روشی جامع در بررسی مفاهیم مدّ نظر از متون دینی مورد توجه است، استفاده از همه روشهای مذکور است که آن را با عنوان روش اجتهادی جامع نامگذاری کرده‌ایم. بر این اساس، فرایند جمع‌آوری داده‌ها، فرایندی منعطف است و هر راهی که بتواند ما را به نوعی هدایت کند تا به متن معتبر دسترسی پیدا کنیم، مدّ نظر است و تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که پژوهشگر احساس کند به «نقطه اشباع» رسیده است.

## دو) ابزارهای نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده

برخی از ابزارهایی که محقق در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها باید از آنها استفاده کند عبارتند از: 1. استفاده از پرسیدن (پرسشهایی از قبیل چه کسی؟ چه وقت؟ چرا؟ کجا؟ چه؟ چگونه؟ چه مقدار؟ با چه پیامد یا پیامدهایی؟ و...)؛ 2. تحلیل کلمه، عبارت یا جمله؛ 3. استفاده از تکنیک مخالف‌سازی یا وارونه‌سازی داده‌ها؛ 4. مقایسه منظم مفاهیم با یکدیگر. (استراوس و کرین، 1391: 122-111)

## هـ) تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات

مهم‌ترین بخش پژوهشهایی که بر اساس داده‌بنیاد به ظهور می‌رسند، چگونگی تجزیه و تحلیل داده‌هاست. اگر داده‌های جمع‌آوری شده به درستی تجزیه و تحلیل نشوند، نمی‌تواند پژوهشگر را به هدف برساند.

## 1. کدگذاری باز

اولین قدم برای تدوین داده‌ها در نظریه داده‌بنیاد، کدگذاری باز به شمار می‌رود. این نوع کدگذاری، فرایندی تحلیلی است تا پژوهشگر به وسیله آن یک مفهوم را شناسایی، ویژگی‌ها و ابعاد آن را کشف و آن را در قالب مفاهیم عرضه کند. این کد یا برجسب باید گویای محتوای مفهومی متن مدّ نظر باشد؛ به طوری که اگر شخص دیگری آن را مشاهده کرد، تا حدود زیادی همان برداشت را داشته باشد.

کدگذاری باز «یک فرایند تحلیلی است که با آن مفاهیم از لحاظ ویژگی‌ها و ابعادشان تعیین هویت شده و گسترش داده می‌شوند. نتیجه کدگذاری باز باید فهرستی از کدها و مقولاتی باشد که به متن مرتبط شده‌اند» (فلیک، 1382: 227-228). به عبارت دیگر؛ کدگذاری باز از طریق درک مفهوم یک متن و انتخاب یک نام برای آن، به صورت مقایسه مستمر میان داده‌ها و متون مدّ نظر انجام می‌شود. برای انجام کدگذاری باز می‌توان از راههایی چون: تحلیل سطر به سطر یا تحلیل یک جمله یا یک پاراگراف یا از نظر گذراندن تمامی مدارک استفاده کرد.

جدول 1: نمونه کدگذاری باز

| متن روایت  | ترجمه  | منبع                             | مفاهیم   |
|--|--|----------------------------------|--|
| پیامبر (ص): اِشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَيَّ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مَلِكُ الْمَلَائِكَةِ، لَا مَلِكَ إِلَّا اللَّهُ.         | خشم خدا سخت است بر کسی که خود را شاهنشاه خواند، در حالی که شاهی جز خدا نیست  | نهج الفصاحه، ص 211               | حاکمیت و پادشاهی فقط از آن خداست.                      |
| عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: وَكَلَيْتَنَا وَكَلَيْتَنَا اللَّهُ أَلَيْ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بَهَا. | امام صادق (ع): ولایت (و حق حاکمیت) ما همان ولایت (و حق حاکمیت) خدا است، که هیچ پیامبری را جز به آن (و با ایمان به آن) نفرستاده است | الکافی (ط) - الإسلامیه؛ ج 1: 437 | معنی یافتن حکومت زمامدار و دولتمرد در پرتو حاکمیت الهی |

## 2. کدگذاری محوری

کدگذاری محوری به فرایندی گفته می‌شود که مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی در سطح ویژگی‌ها و ابعاد ارتباط داده می‌شوند. لازمه این عمل، فرایندی به نام استقرا و قیاس است که طی چند مرحله بایستی انجام شود. به عبارت دیگر؛ «از لحاظ عملی کدگذاری محوری، عمل مرتبط کردن مقوله‌ها با زیرمقوله‌ها در راستای ویژگی‌ها و ابعاد آن است. کدگذاری محوری به چگونگی تلافی مقوله‌ها با یکدیگر و به نحوه اتصال آنها نظر دارد». (استراوس و کرین، 1391: 146)

از لحاظ ترتیب کار، کدگذاری محوری شامل چند اقدام ابتدایی می‌شود: 1. بیان ویژگی‌های یک مقوله و ابعاد آن ویژگی‌ها. این کار در مرحله کدگذاری باز آغاز می‌شود؛ 2. شناسایی انواع شرایط، عملها و تعاملها و پیامدهای ملازم با یک پدیده؛ 3. مرتبط کردن یک مقوله به زیرمقوله‌های آن از طریق جمله‌هایی که چگونگی ارتباط را باز گویند. (همان: 148)

همین که یک مقوله شناسایی شد، به خاطر سپردن و اندیشیدن درباره آن - و مهم‌تر از همه - پروراندن آن از لحاظ ویژگی‌ها و ابعادش و تمییز بعدی آن آسان‌تر می‌شود. این کار از طریق خرد کردن آن مقوله‌های فرعی؛ یعنی با توضیح «چه هنگام»، «در کجا»، «چرا»، «چگونه» و مانند اینها در مورد مقوله صورت می‌پذیرد (همان: 137-136). با این عمل، تحلیلگر با استفاده از ویژگی‌ها و ابعاد مقوله، به پروراندن آنها اقدام می‌کند و به تمییز و تشخیص یک مقوله از مقوله‌های دیگر می‌پردازد.

پژوهشگر در این مرحله به دسته‌بندی و مقایسه مستمر مفاهیم، اقدام و زمینه‌های مشترک بین مفاهیم را کشف کرده و آنها را طبقه‌بندی می‌کند. «این کار، مستلزم صرف وقت و حوصله بسیار است؛ زیرا در ابتدا ارتباط بین آنها چندان آشکار نیست. در واقع؛ محقق خود را با انبوهی از داده‌های خام روبه‌رو می‌بیند که چندان به هم ربطی ندارند، اما به زودی پیوندهای نامرئی هویدا خواهد شد و زیبایی روش نظریه‌بنیاد در این مرحله نهفته است». (منصوریان، 1386: 390)

هنگام کار با داده‌های واقعی، پژوهشگر باید روابط و نسبت‌های بین مقوله‌ها را تبیین و چرایی ظهور یک مقوله را شناسایی کند و ساختار را با فرایند ارتباط دهد. برای درک چیستی و چگونگی رویدادها، لازم است هم ساختار و هم فرایند مطالعه شوند. ساختار، زمینه‌ای است که مقوله در آن قرار داده می‌شود. فرایند نیز توالی‌های عمل/تعامل است که به یک مقوله مرتبط‌اند و در طول زمان شکل می‌گیرند و گسترش پیدا می‌کنند. برای مثال، در موضوع دولت می‌توان فرایند حکمرانی یا نقش مردم در دولت را بررسی کرد. بر این اساس، مردم می‌توانند نقش‌هایی چون: ایجاد، ابقایی و اصلاحی در حکمرانی داشته باشند. ساختار نیز به مجموعه‌ای از عناصر تشکیل‌دهنده، بازیگران قوانین، مقررات، رویه‌ها، چارچوب‌های تصمیم‌گیری گفته می‌شود که فرایند حکمرانی را تأیید یا به آن مشروعیت می‌بخشند.

#### جدول 2: نمونه کدگذاری محوری

| ردیف | مفاهیم   | مقوله محوری                                       |
|------|--|---|
| 1    | دلایل عدم صلاحیت مردم در انتخاب زمامدار الهی           | خداوند متعال منشأ حاکمیت                          |
| 2    | حاکمیت و پادشاهی فقط از آن خداست.                      |   |
| 3    | حاکمیت و پادشاهی فقط از آن خداست.                      |   |
| 4    | معنی یافتن حکومت زمامدار و دولتمرد در پرتو حاکمیت الهی |   |
| 5    | نقش پیروی از دستورات الهی در چگونگی نوع حاکمیت انسانی  |   |
| 6    | حق حاکمیت دولتمردان ناشی از خداست                      |   |
| 7    | عوامل انحراف از حاکمیت عدل و حق و گرایش به حاکمیت جور  | دلایل و علل وجود حاکمیت غیر حق به جای حاکمیت الهی |
| 8    | خشم خداوند موجب تسلط دولتمردان ستمگر                   |   |
| 9    | پشت کردن به دستورات الهی عامل تسلط دولتمردان ستمگر     |   |

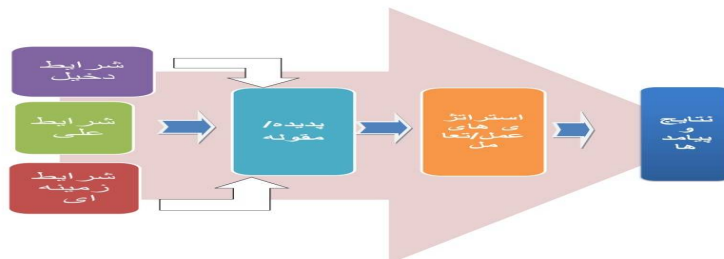
در کدگذاری محوری، داده‌ها به طریقی جدید کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. برای ارائه این کدگذاری از مدلی به نام پارادایم استفاده می‌کنند. «پارادایم، چیزی بیش از یک چشم‌انداز نیست که برای نگرستن به داده‌ها اتخاذ کرده‌ایم. پارادایم یک موضع تحلیلی است که در گردآوری و نظم دادن به داده‌ها به ما کمک می‌کند؛ به نحوی که آن ساختار و فرایند با هم در پیوستگی بمانند» (سترانس و کرین، 1391: 150)

طرح پارادایم برای ارتباط دادن میان داده‌ها و ساماندهی آنها و دسترسی به نظریه توسط تحلیلگر بسیار مفید است و می‌تواند به تحلیلگر کمک کند تا ساختار و فرایند را به یکدیگر پیوند دهد. پارادایم متشکل از عناصری چون: شرایط، عمل/تعامل و پیامدهاست.

شرایط، مجموعه‌ای از رویدادها و حوادث است که موقعیت و مسائل و امور مربوط به یک پدیده را خلق می‌کنند. تحلیلگر باید شرایط را در داده‌ها کشف کند و تأثیر آن را بنماید (مان: 152-153). عمل/تعامل، پاسخهای ارائه‌شده برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده‌ای است که تحت شرایط مشاهده‌شده خاص پدید

### 561 کاربرد روش تحقیق نظریه داده‌بنیاد در استخراج نظریه از متون دینی

آمده است. پیامد نیز به نتیجه عمل/تعاملهایی که افراد و گروهها تحت شرایط خاص صورت داده یا نتوانسته‌اند در پاسخ به موقعیت خاص صورت دهند، چه پیش آمده یا پیش می‌آید، گفته می‌شود.



### 3. کدگذاری گزینشی/انتخابی

در این مرحله، «هسته ی مرکزی»<sup>۱</sup> شناسایی و با سایر مقولات به صورت نظام‌مند مرتبط می‌شود. «محقق در این کدگذاری، اقدام به مدل‌سازی و توسعه قضا یا فرضیات می‌کند. در کدگذاری انتخابی، مقوله‌ها در ارتباط با یکدیگر، در قالب یک مدل عرضه شده و ارتباط آنها توصیف می‌شود. در این مرحله، نظریه به اشکال مختلف ارائه می‌شود» (ایمان، 1391: 81)

**یکپارچه‌سازی:** برای یکپارچه‌سازی داده‌ها و شناسایی مقوله مرکزی برخی تکنیکهای تحلیلی وجود دارد؛ از جمله: نوشتن خط سیر داستان، استفاده از کردار، مرور و دسته‌بندی یادداشتهای. **پالایش و هرس نظریه:** عبارت است از بازبینی طرح از لحاظ منطقی و انسجام درونی، هرس مقوله‌های زائد، پر کردن خلأهای مقوله‌های ناپروورده و سنجش اعتبار طرح نظریه.

جدول 3: نمونه کدگذاری گزینشی

| مقوله<br>هسته | جایگاه در مدل<br>پارادایمی | مقوله اصلی                                    | مقوله محوری فرعی                        |   |
|---------------|----------------------------|---|---|---|
| تجربه         | زمینه‌های علی              | منشأ پیدایش حاکمیت و علل و عوامل انحراف از آن | مبانی الهی بودن حاکمیت                  |   |
|               |                            | اهمیت و ضرورت تشکیل دولت حق                   | ضرورت وجود دولت و دولتمرد در همه زمانها |   |
|               | شرایط زمینه‌ای             | شرایط و ویژگی‌های دولتمردان                   | اهمیت ولایت و دولت                      | شرایط دولتمردان حق                        |
|               |                            |   | اوصاف و ویژگی‌های رفتاری دولتمردان حق   | شیوه‌ها و اصول حاکم بر رفتار دولتمردان حق |
|               |                            |   | حقوق مردم نسبت به دولتمردان             | حقوق دولتمردان نسبت به مردم               |
|               | راهبردهای<br>عمل / تعامل   | حقوق متقابل مردم و دولت                       | حقوق دولتمردان نسبت به مردم             | حقوق دولتمردان نسبت به مردم               |
|               |                            |   | حقوق دولتمردان نسبت به مردم             | حقوق دولتمردان نسبت به مردم               |

#### 4. ارائه نظریه و الگوی مناسب

معمولاً الگوسازی بعد از کدگذاری انتخابی نمایان می‌شود. نوع و شکل مدل نهایی در هر تحقیق کاملاً با تحقیق دیگر متفاوت است. تنها چیزی که این روش در خصوص نوع مدل می‌تواند به ما بگوید این است که مدل مد نظر بایستی دارای یک یا چند مقوله مرکزی بوده که این مقولات در تعاملی که با یکدیگر دارند می‌توانند پیوند دهنده داده‌های مربوطه بوده و ارائه‌کننده مدل نهایی تحقیق مورد نظر باشند.

شکل و نوع مدل از تحلیلهای ابتدایی شروع می‌شود و تا آخرین کدگذاری‌ها و تحلیلهای ادامه پیدا می‌کند. پژوهشگر همواره باید به دنبال کشف ارتباط داده‌ها با یکدیگر باشد و بتواند هسته یا هسته‌های مرکزی را کشف کند، هسته‌ی مرکزی باید دارای برخی ویژگی‌ها از قبیل مرکزی بودن، ظاهر شدن در داده‌ها به طور مداوم، داشتن ثبات لازم باشد و بتواند تحلیلگر را به سمت توسعه نظریه هدایت کند.

#### و) بحث و نتیجه گیری

روش نظریه‌سازی داده‌بنیاد، از روشهای نوین ساخت نظریه به شمار می‌رود که با مختصری دخل و تصرف در آن، می‌تواند به عنوان روشی ارزشمند برای ساخت نظریه از متون دینی استفاده شود. این روش با توجه به ویژگی‌های درونی، از قبیل کیفی بودن، استقرایی بودن، انعطاف‌پذیری در بازخوانی و بازاندیشی مسئله

### 563 کاربرد روش تحقیق نظریه داده‌بنیاد در استخراج نظریه از متون دینی

پژوهش و رویکرد نظریه‌سازی و همچنین به خاطر ارتباط نزدیک با شیوه‌های پژوهشی دینی و اسلامی، این ظرفیت را دارد تا در بسیاری از رشته‌های علمی، به خصوص مباحث دینی و اسلامی به کار گرفته شود و به نتایج ارزشمندی نایل شود. با توجه به این ویژگی‌ها، در پژوهش حاضر به نوعی که نه اصول و قواعد فقه‌الحدیثی دچار خدشه شود و نه اصول و قواعد روش داده‌بنیاد به کلی دگرگون شود، روش ترکیبی مبتنی بر داده‌بنیاد، برای بهره‌مندی بیشتر از متون دینی ارائه شد.

نظریه‌هایی که به روش داده‌بنیاد ساخته می‌شوند؛ اولاً، چون مبتنی بر داده‌های متنی دینی‌اند و ثانیاً، اینکه به شیوه استقرایی و از طریق گراوری منظم داده‌های دینی و تجزیه و تحلیل و بازنمایی آن متون صورت می‌گیرند، باعث می‌شوند تا نظریه استخراج‌شده با نظریه‌های موجود ارائه‌شده در این زمینه فرق داشته و قابل اعتمادتر باشد؛ زیرا بر محور متون مقدس دینی شکل گرفته است. بنابراین، می‌توان آن را به عنوان یکی از روشهای تحقیق در حوزه علوم اسلامی معرفی کرد.

از آنجا که دین مبین اسلام دارای متون دینی بسیار غنی و ارزشمند است، در صورت بهره‌گیری درست از روشهای نوین پژوهشی، به خصوص داده‌بنیاد، می‌توان نظریه‌های دینی و اسلامی بی‌نظیری مبتنی بر این متون در حوزه‌های مختلف علمی به ویژه در حوزه اجتماعی و سیاسی خلق و عرضه کرد؛ زیرا با بررسی متون دینی بر اساس این روش می‌توان به نظریات جدیدی در حوزه‌های مختلف علمی دست یافت.


به هر ترتیب، مدّعی ما این نیست که این روش فاقد هر گونه نقص و کمبود است؛ و قطعاً دارای برخی نواقص است، اما این امر مانع این نخواهد بود که نمی‌توانیم یا نمی‌شود از روشهای نوین در متون دینی استفاده کرد، بلکه به کارگیری این نوع روشها، سرآغازی برای استفاده از روشهای نوین در حوزه‌های مختلف دینی خواهد بود.



## منابع

- استراوس، انسلم و جولیت کرین (1391). مبانی پژوهش کیفی. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نی، چ دوم.
- الوانی، سیدمهدی؛ حسن دانایی‌فرد و عادل آذر (1386). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکرد جامع. تهران: صفار.
- امیری، مجتبی و کژال دهقانی زنگنه (1392). «نظریه رهبری اخلاقی بر مبنای سیره نبوی». *مطالعات رفتار سازمانی*، سال اول، ش 4.
- ایمان، محمدتقی (1391). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پارسانیا، حمید (1390). روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی. قم: کتاب فردا.
- پسندیده، عباس (1386). «درآمدی بر روش‌شناسی فهم معارف روان‌شناختی از احادیث». *مجله علم حدیث*، سال دوازدهم، ش 3-4.
- دانایی‌فرد، حسن (1384). «تنوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تنوری بنیادی». *دانشور رفتار*، ش 11.
- دانایی‌فرد، حسن و سید مجتبی امامی (1386). «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد». *اندیشه مدیریت*، سال اول، ش 2.
- دانایی‌فرد، حسن و نونا مومنی (1387). «تنوری رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی (ع)». *مطالعات انقلاب*، دوره چهارم، ش 14.
- صادق‌زاده قمصری، علیرضا (1386). «رویکرد اسلامی به روش‌شناسی تربیتی، تبیین امکان و ضرورت». *نوآوری‌های آموزشی*، سال ششم، ش 21.
- طباره، عبدالفتاح (1980). *روح‌الدین اسلامی*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- طهماسبی، رضا و همکاران (1394). «مدیریت استعدادها: یک نظریه داده‌بنیان». *مدیریت دولتی*، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، دوره هفتم، ش 1.
- فلیک، یو (1382). *درآمدی بر پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی*. ترجمه جمشیدیان، سیادت و نورزوی. قم: سماء قلم.
- کافی، مجید (1393). «پارادایم اسلامی روش‌شناختی علوم انسانی». *دوفصلنامه علمی پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی*، سال ششم، ش 11.
- کافی، مجید و غلامرضا جمشیدی‌ها (1391). «مدل روش‌شناسی نظریه‌پردازی در علوم انسانی اسلامی». *روش‌شناسی علوم انسانی*، سال هجدهم، ش 72.
- کرسول، جان (1394). *پویای کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)*. ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. تهران: صفار، ویرایش دوم.



565  کاربرد روش تحقیق نظریه داده‌بنیاد در استخراج نظریه از متون دینی

- لطف‌آبادی، حسین (1384). ضرورت تأسیس فلسفه علم مینوی. تهران: سمت.
- مسعودی، عبدالهادی (1389). «روش برداشت از روایات». *مطالعات تفسیری*، سال یکم، ش 1.
- مسعودی، عبدالهادی (1384). روش فهم حدیث. تهران: حکمت.
- مصباح، محمدتقی (1364). آموزش فلسفه، ج 1. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- منصوریان، یزدان (1386). «گوند تنوری چیست و چه کاربردی دارد». *ویژه‌نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مهربانی، امیرحمزه و همکاران (1390). «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی». *مدیریت فرهنگ سازمانی*، سال نهم، ش 23.
- Charmaz, K. (2000). "Grounded Theory: Objectivist and Subjectivist Methods". In N. Denzin & T.Y. Lincoln (Eds). *Handbook of Qualitative Research* (2nd Ed.). London & Thousand Oaks: ca: Sage.
- Anselm, Strauss. & Juliet, M. Corbin (1998) **Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory**, 2nd Ed, sag, newbury park, london
- Alvani, Seyyed Mahdi; Hasan Danaeefard & Adel Azar (2007). **Qualitative Research Methodology in Management, Comprehensive Approach**. Tehran: Saffar
- Amiri, Mojtaba & Kajal Dehghani Zanganeh (2013). "Theory of Ethical Leadership Based on the Prophet's Soul". *Organizational Behavior Studies*, New Year, No. 4.
- Danaei Fard, Hassan (2005). "Theorizing Using a Deductive Approach: the Conceptualization Strategy of Fundamental Theory, Behavioral Science". *Daneshvar Raftar*, No. 11.
- Danaei Fard, Hassan & Seyyed Mojtaba Emami (2007). "Qualitative Research Strategies: A Theory on Data Theory". *Management Thought*, First Year, No. 2.
- Danaei Fard, Hassan & Nuna Momeni (2008). "The Effective Leadership Theory from Imam Ali's Viewpoint". *Revolution Studies*, Vol.4, No. 14.
- Flick, Yu (2003). **Income on Quality Research in Human Science**. Translated by: Jamshidian, Syedat & Norouzi. Qom: Sama Ghalam.
- Iman, Mohammad Taghi (2012). **Methodology of Qualitative Research**. Qom: Research Center of Universities and Universities.
- Kafi, Majid (2014). "The Islamic Methodological Paradigm of the Humanities". *Islamic Philosophy and Social Sciences*, 6, Issue 11.
- Kafi, Majid & Gholamreza Jamshidiha (2012). "Methodology of Theorizing in the Islamic Humanities". *Quarterly Journal of Humanities*, No. 18.
- Krsul, John (2015). **Qualitative Scenario and Research Plan: Selection of Five Approaches (Narrative Studies, Phenomenology, Data Base, Ethnography, Case Study)**. Hassan Danaeefard & Hossein Kazemi. Tehran: Saffar Publication Second Edition.

- Lotf Abadi, Hussein (2005). **The Necessity of Establishing the Philosophy of Science Minoo**. Tehran: SAMT.
- Mansouriyani, Yazdan (2007). **“What is and what is used in Grand Theory”**. *Special Issue of the Information Science and Information Society Congress*. Isfahan: Isfahan University.
- Masoudi, Abdul Hadi (2010). **“The Method of Derivation from Traditions”**. *Interpretative Quarterly*, First Year, No. 1.
- Masoudi, Abdol Hadi (2005). **The Method of Understanding Hadith**. Tehran: Hekmat.
- Mehrabi, Amir Hamzeh & et al. (2011). **“Introduction of the Methodology of Data Base for Islamic Research”**. *Organizational Culture Management*, Year 9, No. 23.
- Mesbah, Mohammad Taghi (1985). **Teaching Philosophy, C.1**. Tehran: Islamic Propaganda Organization.
- Parsania, Hamid (2011). **Critical Methodology of Sadra's Wisdom**, Qom: Book of Tomorrow.
- Pasandideh, Abbas (2007). **“An Introduction to the Methodology of Understanding Psychological Teaches of Hadiths”**. *The Journal of Hadith*, 12th, Third and the Fourth.
- Sadeghzadeh Ghamsari, Ali Reza (2007). **“Islamic Approach to Educational Methodology, Explaining the Opportunity and Necessity”**. *Quarterly Educational Innovations*, Issue 21, Year 6.
- Strauss, Anselm & Juliet Carbin (2012). **Principles of Qualitative Research**. Translated by Ibrahim Afshar. Second Edition. Tehran: Ney.
- Tabareh, Abdolfattah (1980). **Rohuddin Islami**. Beirut. Dar Alalum Lamelyan.
- Tahmasebi, Reza & et al. (2015). **“Talent Management: A Data Generation Foundation”**. *Public Management Publication*, Tehran University College of Management: Vol 7, Issue 1.

